

تبیین مفهومی علل و بازخوردهای زنانه (مونث) شدن مهاجرت‌های روستایی

طاهره صادقلو¹

دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (tsadeghloo@yahoo.com)

چکیده

امروزه به واسطه توسعه اطلاعات و ارتباطات و تکنولوژی مرزهای سیاسی جای خود را به مرزهای ایدئولوژیکی داده اند. فضاهای شهری و روستایی به سمت همگونی و وحدت حرکت می نمایند و بسیاری از فضاهای روستایی در حال گذار از ماهیت روستایی خود به شهرهایی با هویت مبهم می باشند. اما آنچه هنوز تفاوت‌های فضاهای شهری و روستایی را مانند اهرمی برای جلب جمعیت مهاجر از روستا به فضاهای شهری برجسته ساخته است، شرایط نامساعد زیرساختی، سنگینی باورهای و تعصبات اجتماعی، نقش خودکنترلی اجتماعات روستایی و تناقض ارزشهای فراگیر شده در سایه توسعه ارتباطات و اطلاعات با فضای سنتی روستاهایی می باشند که قادر به توجیه و تامین جمعیت روستایی خود نیستند. بخش عمده جمعیت اجتماعات روستایی را زنان تشکیل می دهند که به واسطه ی عوامل مختلفی نظیر ارتقاء آگاهی های ناشی از توسعه ارتباطات و اطلاعات، تغییر کارکردهای فضاهای روستایی و نقش تولیدی زنان، انگیزه تحصیل و اشتغال و نظایر آن به انحاء مختلف دچار تغییر باورهای سنتی و گذار از کارکردها و نقش های پیشین زن روستایی به سوی باورهای جدید گردیده اند. یکی از مهمترین نتایج این تغییرات اجتماعی- ارزشی، تمایل به تحرک از فضاهای بسته روستایی به سوی شهرها برای دستیابی به موقعیت و فرصتهای جدید می باشد. به گونه ای که بخش مهمی از مهاجران کنونی جهان را زنان شامل می شوند. افزون بر زنان شهری، زنان روستایی نیز که بخشی از این مهاجران هستند. از این پدیده در عرصه علمی تحت عنوان مونث شدن جریان مهاجرتها یاد می شود. بر این اساس مطالعه حاضر، با روش شناسی تبیینی از طریق روش کتابخانه ای به دنبال شناسایی عوامل تاثیرگذار بر تمایل زنان روستایی به خروج از روستاها و مهاجرت به شهرها و به عبارتی تحلیل علت افزایش سهم زنان روستایی در فرایند مهاجرتها می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد که عمده مهاجرت زنان به واسطه شرایط اقتصادی و آموزش می باشد که دارای بازخوردهای مثبت و منفی در مناطق روستایی می باشد.

کلمات کلیدی: مهاجرت زنان، روستا، ارتقاء آگاهی، مونث شدن مهاجرت، سیاستهای مهاجرتی.

1- مقدمه

از مهاجرت تعاریف مختلفی ارائه شده است که تمامی آنها در اصول پایه ای مشترک و هم عقیده می باشند. مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می گیرد. این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می باشد. این گونه مهاجرت ها را مهاجرت دائم گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نمی باشد، تفکیک کرد (ویلسون، 1985 به نقل از زنجانی، 1380، ص 22). تحولات مهاجرت جمعیت در دوره های مختلف، بنا به اقتضای شرایط مکانی و جغرافیایی، روند متفاوتی به خود می گیرد. در هر زمانی تحت تاثیر نیازهای اجتماعات انسانی در جستجوی کار، آموزش، خدمات، رفاه، و نظایر آن، پراکنش جمعیت در عرصه های فضایی شکلی خاص به خود می گیرد. جریان تحرکات گروه های انسانی را می توان از ابعاد مختلف نظیر سن مهاجرت، انگیزه مهاجرت، مرزهای سیاسی مهاجرت و نظایر آن مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در این بین جنسیت و مهاجرت از مهمترین ابعاد طبقه بندی و دسته بندی اشکال مهاجرت می باشد. در گذشته بیشتر مهاجران را مردان تشکیل می دادند که برای یافتن شغل یا شغلی بهتر و هم چنین به علت عوامل دافعه در مبدأ و جاذبه در مقصد دست به مهاجرت می زدند. ولی امروزه در کنار مهاجرت مردان، مهاجرت زنان نیز قابل توجه است (جعفری، 1390). زنانه شدن مهاجرت² روندی از الگوهای جنسیتی مهاجرت است که در آن نرخ بالایی از زنان برای دستیابی به کار و یا ازدواج محل زندگی یا تولد خود را ترک می کنند. براساس اطلاعات موسسه آماری سازمان ملل متحد، نرخ مهاجرت زنان در پهنه جهانی از 46.7 درصد در سال 1960 به 49.6 درصد در سال 2005 افزایش یافته است. براساس اطلاعات آماری بانک جهانی، در سال 2007، زنان بیش از نیمی از جمعیت مهاجر جهان را تشکیل می دهند. مطالعات بسیاری بر روی تحولات الگوهای جنسیتی مهاجرت در سده های اخیر صورت گرفته است که بیشتر این مطالعات به بررسی موضوعات و مسائلی نظیر پیامدهای اقتصادی و ارسال وجوه، پیوندهای خانوادگی، نژادی کردن مهاجرت، حمل و نقل انسانی و تقسیم کار جنسی و همچنین فرصتهای آموزشی و تاثیر آن بر زنانه شدن الگوهای مهاجرت تاکید دارند (Wikipedia, 2014). تغییرات اساسی در جریانات مهاجرتی فقرا به صورت نامحسوس و مسکوت در حال رخ دادن است اما در این بین انسانهای زیادی برای دستیابی به ارض موعود خود امیدوارند. بخش مهمی از این جمعیت را زنان مهاجر تشکیل می دهند. در عرصه جهانی بخش مهمی از این گروه استثمار شده و اغلب برای امور ناهنجار اجتماعی خرید و فروش یا محکوم به کارکردن در ساعتهای طولانی می شوند (Moreno Fontes, 2001). تا دهه 1970، عمده ترین اشکال مهاجرت های انفرادی و غیرخانوادگی بیشتر در گروه مردان به عنوان نان آور خانواده مشاهده می گردید ولی از 1980 به بعد با افزایش شمار زنان مجرد و متاهل سرپرست خانوار، همچنین ارتقاء سطح دانش زنان نسبت به مردان، جریانهای مهاجرت از روند مذکر بودن خود به سوی زنانه شدن تغییر یافت و سیل عظیمی از مهاجران زن برای یافتن کار، در سایر فضاهای جغرافیایی خارج از مبدأ آغاز گردید. به گونه ای که اکنون باوجود محدودیت قانونی زنان نسبت به مردان در برخی کشورها، در نظر گرفتن جریانهای رسمی و غیررسمی مهاجرتها، سهم مهاجرین زن در این جریانهای بیش از مردان مهاجر است. در این میان مهاجرت های زنان روستایی به شهرها سهم مهمی از این مونث شدن جریان مهاجرتی را تشکیل می دهد. در گذشته جریان مهاجرت انفرادی زنان روستایی به خارج از مرزهای محل

2 - Feminization of migration

زندگی بسیار کمرنگ و محدود بود و مهاجرت زنان تنها در قالب مهاجرت‌های خانوادگی و به تبعیت از همسر اتفاق می‌افتاد. حتی در بسیاری از موارد زنان روستایی تنها در روستا به زندگی ادامه می‌دادند و همسران آنها برای مقاصد مختلف از روستا مهاجرت می‌کردند. اما در سالهای اخیر عرصه جهانی شاهد خروج فزاینده و آسان گروه زنان مجرد و متاهل از فضاهای روستایی می‌باشد. مقاله حاضر به دنبال بررسی و شناسایی عوامل موثر بر مونث شدن جریان مهاجرت زنان روستایی و تعیین مهمترین علل در فضاهای روستایی ایران و همچنین بازخوردهای این پدیده بر فضاهای روستایی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی می‌باشد.

2- پیشینه تحقیق

در زمینه مونث شدن جریان مهاجرت‌ها مطالعات بسیاری صورت گرفته است. برخی از این مطالعات در قالب جدول زیر (جدول 1) ارائه شده است که به شناسایی علل مهاجرت‌های زنان و علل تشدید آن در دهه های اخیر اشاره شده است. اغلب این مطالعات به بررسی موضوع در عرصه ملی و بین المللی پرداخته است. حال آنکه شکل فضایی جریانات مهاجرتی در عرصه های محلی و خرد نظیر روستا به شهر که عمده تاکید بر آن است، و دارای پیامدها و شاید انگیزه های غالب متفاوتی از مهاجرت‌های ملی و بین المللی است کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

جدول 1- پیشینه مطالعات مرتبط

عنوان تحقیق	محقق و سال تحقیق
بررسی روند مهاجرت زنان به نقاط شهری شهرستان مشهد، طی سالهای 1365-1385	نرگس جعفری، 1390
اشتغال و مهاجرت زنان روستای	فریده سرحدی، 1373
جنسیت و مهاجرت	Susie jolly with hazel reeves, 2005
مهاجرت بین المللی نیروی کار زنان از جنوب آسیا، مطالعه جامع در بنگلادش	Siddiqui and Hossainul Haque, 2005
زنان و مهاجرت	Susan Forbes Martin, 2003
زنان مهاجر در کشورهای در حال توسعه	Graeme Hugo, 1993
مونث شدن جریان مهاجرت	موسسه تحقیق و توسعه سازمان ملل متحد، 2007
ابعاد جهانی مهاجرت زنان	Hania Zlonik, 2003
مونث شدن مهاجرت در شرق و جنوب شرق آسیا	Keiko Yamanaka and Nicola Piper, 2005
زنان روستایی و مهاجرت در آمریکای لاتین	Mariah de los angeles, 1986
مهاجرت زنان روستایی در هند، جهت گیری ها، و انگیزش ها	Kuldip S. Chhikara ¹ and Anand S. Kodan, 2012
مهاجرت روستا به شهری زنان در تانزانیا؛ نمونه موردی شهر دارالسلام	M.J. Mbonile and Hellen A. lihawa, 1996
مونث شدن مهاجرت و خرید و فروش زنان در مکزیک	Arun Kumar ACHARYA, 2010

مطالعات داخلی صورت گرفته در زمینه مهاجرت زنان و مونث شدن جریان مهاجرتها در سالهای اخیر، تنها محدود به دو مطالعه می باشد. لذا مقاله حاضر به بررسی بیشتر این موضوع به ویژه در جمعیت زنان روستایی و شناسایی مهمترین علل تشدید و افزایش سهم زنان در مهاجرتها می پردازد.

3- مبانی نظری

3-1- مهاجرت و انواع آن

سازمان ملل متحد، مهاجرت را به عنوان شکلی از تحرک جغرافیایی یا فضایی بین یک واحد جغرافیایی با دیگری تعریف نموده است. این تعریف دگرگونی در سکونت از مکان مبدا یا عزیمت به مکان مقصد را شامل می شود. در تعریف دیگری از سازمان تحقیقات نمونه ملی³ (NSSO) مهاجر به کسی اطلاق می شود که مکان زندگی گذشته وی با مکان فعلی و محل سرشماری وی متفاوت باشد (National Sample Survey Organization (NSSO), 2008). در مجموع مهاجرت به تغییر مکانی برای سکونت اطلاق می شود که برای مدت زمانی نسبتاً دائمی یا بلند مدت صورت گیرد (Census of India, 2001). در حالت عمومی دو نوع مهاجرت وجود دارد: مهاجرت بین المللی⁴ و مهاجرت درونی⁵. مهاجرتهای درونی خود بر د اساس دسته بندی می شوند (جدول 2). افزون بر این می توان مهاجرتها را براساس اختیار (اختیاری و ارادی)، انگیزه (اقتصادی، اشتغال، درآمد، تحصیل و...) و نظایر آن دسته بندی کرد.

جدول 2- اشکال مهاجرتهای درونی

طبقه فاصله ای (بعد مسافتی)	جریان یا جهت مهاجرت
درون بخشی	روستا به روستا
درون شهرستانی	روستا به شهر
درون شهرستانی	شهر به شهر
درون بخشی	شهر به روستا

منبع: (Chakarbotry and Kuri (2008)

دو معیار برای سنجش وسعت مهاجرت وجود دارد. معیار اول مهاجرت انبوه یا توده ای⁶ است که به مهاجرت شمار زیاد یا مجموعه ای از افراد به خارج از مکان مبدا و با انگیزشهای مختلف اشاره دارد. و معیار دوم، مهاجرت شبکه ای⁷ می باشد که مهاجرت شبکه ای تفاوت بین شمار مهاجران وارد و یا خارج شده از مکان، منطقه یا کشور است. به عبارت دیگر، بدست آوردن یا از دست دادن جمعیت یک منطقه در اثر مهاجرت را بیان می کند (Chhikara and Kodan., 2012, p.128). دلایل متنوعی می تواند سبب وقوع پدیده مهاجرت گردد که در مجموع اختیاری یا اجباری می باشند و می توان آنها به شرح زیر بیان نمود:

- امکانات و تجهیزات اساسی در مقاصد شهری

3 - National Sample Survey Organization

4 - International Migration

5 - Internal Migration

6 - Gross Migration

7 - Net Migration

- هزینه مهاجرت
- دسترسی آسان به شغل
- وضعیت عملکرد بخش کشاورزی
- بازار غیررسمی نیروی کار در شهرها
- فرصتهای شغلی محدود روستا
- نرخ با سوادی
- فقر روستایی یا شهری (مهاجرت بیرونی)
- تصمیمات و اولویتهای خانوادگی.

3-2- مهاجرت زنان و مهمترین علل آن

برای سالهای طولانی زنان در مطالعات مرتبط با بحث مهاجرت مغفول و نادیده مانده بودند. مشارکتها و تجارب یکتای اقتصادی - اجتماعی آنان به حساب نمی آمد. در دهه 1960 تا 1970 تئوریهای مهاجرت اغلب بر این پیش فرض استوار بودند که مهاجران مردان می باشند و زنان به عنوان عناصری تابع همسران خود دیده می شدند. نتیجتاً، مهاجرت به عنوان پدیده ای مردانه ترسیم شده بود. اکنون نیز در بسیاری از کشورها هنوز دیدگاه هایی سنتی غالب می باشد که زنان را در جریانهای مهاجرتی به عنوان همسر، دختر یا وابسته مردان مهاجر به حساب می آورند. از سده های اخیر تغییرات چشمگیری در نرخ مهاجرت زنان به شکلی مستقل و به عنوان تامین کنندگان اقتصادی یا نان آوران خانواده ایجاد شده است (United Nations Population Division, 2005). زنان و مردان تفاوتهای قابل توجهی در رفتارهای مهاجرتی خود، مواجهه با فرصتهای مختلف و مقابله با ریسک ها و تهدیدهایی نظیر آسیب پذیری در برابر حقوق انسانی، سوء استفاده های جنسی، استثمار و ریسک های سلامتی نشان می دهند. لذا، به طور فزاینده ای آشکار می باشد که مهاجرت پدیده ی «بی طرف جنسیتی»⁸ نمی باشد. گرایش جریانهای مهاجرتیهای منطقه ای یکی از شاخص های مونث شدن فرایند مهاجرت می باشد. زنان در حال حاضر بیش از نیمی از مهاجرتیهای بین المللی در نواحی توسعه یافته و اندکی کمتر از نصف مهاجرتیهای کشورهای کمتر توسعه یافته را در تشکیل می دهند. این اختلاف منعکس کننده تبعیضات و تعصباتی در رابطه با کار زنان و مردان و همچنین دستمزد و استانداردهای زندگی، سیاستهای دولتی و شیوه های استخدام برای آنها می باشد. وجود پناهگاه هایی برای استقرار و سکونت نیز از فاکتورهایی است که در مهاجرت و تصمیم گیری برای مقصد مهاجرت تاثیرگذار است (United Nations Population Fund, 2006).

مهاجرت زنان اغلب به موازات دو تغییر یا دگرذیسی دیگر، زنان را به ویژه در نواحی روستایی تحت تاثیر قرار می دهد: - مونث شدن فقر و مونث شدن کار به عبارتی افزایش فقر زنان و افزایش اشتغال زنان به نوبه خود سبب تشدید مهاجرت زنان و مونث شدن فرایند مهاجرت می شود. زنانه شدن مهاجرتها یا به عبارتی توسعه مهاجرت زنان، یکی از مساله ساز ترین اشکال مهاجرت است که مسائلی نظیر تجاری شدن مهاجرت، سوء استفاده از زنان، استثمار و ... را در وجوه اجتماعی به همراه خواهد داشت. زنان نیز نظیر مردان بنا به علل مختلفی نظیر یافتن شرایط بهتر زندگی، حمایت از فرزندان خود، گریز از آشفتگی های سیاسی، آموزش،

8 - gender-neutral phenomenon

کار و ... گاه مهاجرت با سرانجامی مبهم را به قرار در منطقه محل زندگی خود ترجیح می دهند. لذا از میان علل بسیاری که بر این امر تاثیر گذارند، برخی از آنها به شرح زیر قابل بررسی می باشند:

- فقر و نیازهای مادی

بینوایی و نیاز به حمایت خانواده، در زنان نیز نظیر مردان از دلایل محکم مهاجرتی می باشد. اگرچه فقر همیشه در تصمیم گیری و توانایی زنان برای مهاجرت مشارکت ندارد. همچنین شرایط اجتماعی و تاثیرات سنن و رسومات بر اوضاع خانواده و فرد نیز بر این تصمیمات موثر است. در کنار این فقر که خود عامل دافعه از محیط مبدا می باشد، وجود تقاضای کار با کلیشه های جنسیتی، خاص زنان در مقاصد فضایی می تواند زمینه تقویت انگیزه مهاجرت زنان گردد.

- تمایل به توسعه افق فکری و تجربی

در کنار عواملی نظیر تامین نیازهای خانواده، کار و درآمدزایی، توسعه افق فکری و تجربی، خود انگیزه تغییر فضا و تجربه فضاهای جغرافیایی نوین می گردد. تمایل به شکافتن مرزها و حصارهای زندگی، توسعه ادراک و آموزش، سبب می شود که زنان در مقایسه با مردان از قدرت ریسک بیشتری برای مقابله با محدودیتهای برای دستیابی به آزادی باشند. در کنار این تمایلات، داشتن استقلال مالی و فرصتهای کسب درآمد می تواند زنان را در برابر محدودیتهای سنتی و حصول به تحرک قدرتمندتر سازد.

- تحصیل و آموزش و فرار مغزها

با تغییر سیاستهای و شاخص های توسعه، ارتقاء سطح آموزشی و تحصیلاتی زنان به ویژه در نواحی روستایی یکی از مسائلی است که امروزه زمینه تشدید مهاجرت های زنان را فراهم کرده است. مهاجرت زنان آموزش دیده و ماهر، نظیر مردان در جستجوی یافتن شغلی همسطح با تحصیلات، افزون بر محرومیت اجتماع مبدا از این مهارتها، به نوعی اتلاف سرمایه گذاری آموزشی و پتانسیلهای است که می تواند به بهبود شرایط زیست اجتماع مبدا کمک کند. این پدیده همان اصطلاح مرسوم فرار مغزها می باشد که در سطوح فضایی مختلف خرد و کلان نظیر روستا به شهرها و کشوری به کشور دیگر به شکل های خاص خود جریان می یابد. و نتیجه آن تخلیه فضاهایی نظیر روستاها از نخبگان و سرمایه های انسانی و کاهش سرعت توسعه اجتماعی است (Lowell, 2001, p.2).

- کلیشه های جنسیتی اشتغال

جنسیت نقش مهمی را در تصمیم گیری برای اینکه چه نوع شغلی برای زنان و مردان مهاجر ایجاد شود دارد. تا زمانیکه تقاضا برای کارگران مهاجر در کشورهای مقصد مبتنی بر بازار کار باشد، فرصتهای موجود برای زنان مهاجر شامل اشتغال در کارهای نیازمند به مهارت کم، و با قابلیت کنترل بالا خواهد بود. این دیدگاه و تقاضا خود سبب ترغیب زنان کم مهارت و غیرحرفه ای برای مهاجرت می گردد. این شرایط منعکس کننده نقشهای سنتی زنان و رفتارهای غالب و غیرتخصصی آنها می باشد و تقاضا برای مشاغلی نظیر خدمات نظافتی، پرستاری، خدمات هتل و مهمانسرا، وظایف خانگی در این موارد در حال افزایش است.

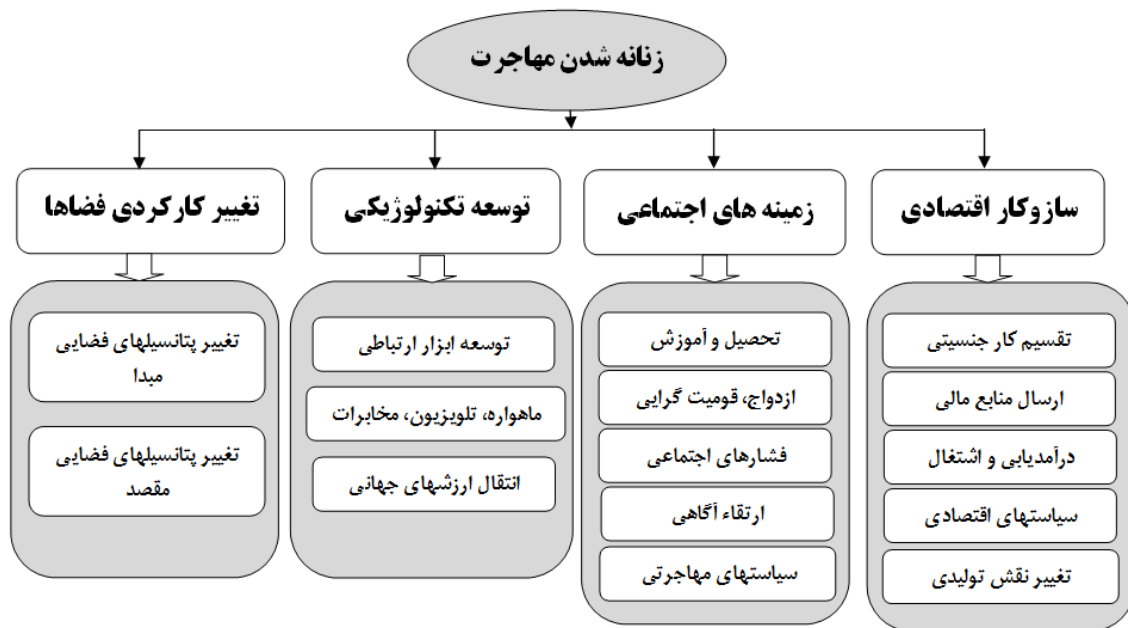
افزایش شمار زنان شاغل در اجتماعات نیاز به چنین کارگرانی برای رسیدگی به امور روزمره خانوارها را ارتقا می دهد و خود به نوعی سبب جهت دهی به تقاضای بازار کار برای چنین مشاغلی می باشد و ترغیب پنهان و نامحسوس مهاجرت های زنان را برای اشتغال به چنین اموری که مهارت بالایی را نمی طلبد به همراه دارد. البته یکی از پیامدهای ناگوار مهاجرتها براساس کلیشه های جنسیتی، گرفتار شدن زنان مهاجر در ناهنجاریهای رفتاری و باندهای سوء استفاده می باشد که بسیاری از کشورها قوانین منع کننده و محدود کننده ای برای جلوگیری از گرفتار شدن زنان در این دسیسه ها وضع می نمایند (Moreno Fontes, 2001). این نوع مهاجرت در سطح جهانی، مهاجرت غیر متعارف نامیده می شود که به عنوان یکی از گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر شناخته شده است. زیرا جنایتی وحشتناک، اجحاف و ناعدالتی آشکار در حقوق انسانی است. مهاجرت غیر متعارف یا قاچاق زنان برای فحشا، گونه ای از برده داری مدرن است (Cole, 2009).

- سیاستهای مهاجرتی کشورها

البته سیاستهای مهاجرتی در کشورهای مختلف نیز تا حد زیادی بر این مساله تاثیرگذار است. به عنوان مثال، کشور آلمان نمونه یک کشور با قوانین و سیاستهای مهاجرتی مردم‌محورانه است. تمامی شیوه ها و راه های مهاجرت های قانونی برای کار نظیر اشتغال در پروژه های صنعتی، مهاجرت کارگران فصلی برای کشاورزی، و نظایر آن تحت تسلط مردان می باشد. بخشی از این قوانین و تدوین آنها نیز در دوره های مختلف تحت الشعاع سیاستهای اقتصادی و نظیر سرمایه داری قرار داشته اند. تلاش برای کسب بیشترین سود و کاهش هزینه های تولید شامل هزینه نیروی کار، نیازمند حضور کارگران بیشتر بوده است که بخشی از آن را زنان تامین می کرده اند. لذا لازم بود تا سیاستهای مهاجرتی، آزادی بیشتری را برای مهاجرت زنان به کشورهای سرمایه داری اعمال نمایند. البته علل و پیامدهای مهاجرت های زنان در سطوح مختلف فضایی از محلی تا بین المللی متفاوت با یکدیگر است. برای بسیاری از زنان، مهاجرت تجارب مثبتی از این حقیقت که می توانند در تامین هزینه های خانواده و تصمیم گیری های آن مثمر ثمر باشند ارائه می نماید، هرچند، زنان شانس کمتری برای مهاجرت قانونی دارند و در معرض آسیب پذیری بیشتری از تبعیض و سوء استفاده و خشونت قرار دارند (Moreno Fontes, 2001).

- ازدواج و وابستگی خانوادگی

اگرچه فرایند مونث شدن مهاجرتها بیشتر به مهاجرت انفرادی و مستقل زنان از مبدا به مقاصد اشاره دارد، لیکن بسیاری از مهاجرت های کشورهای توسعه نیافته، همچنان زنان را در زمره پیوندها و وابستگی های خانوادگی ناشی از ازدواج و تبعیت از همسر وارد این تحرک می سازند. به عبارتی ازدواج و وابستگی های خانوادگی شکلی غالب از مهاجرت زنان در کشورهایی با باورهای سنتی در زمینه زنان است. در این نوع کشورها شکل زنانه شدن مهاجرتها با کشورهای توسعه یافته بسیار متفاوت است. نمودار زیر برخی از مهمترین علل مهاجرت زنان و به عبارتی مونث شدن مهاجرتها در عرصه های مختلف فضایی را نشان می دهد.



شکل 1- علل موثر در مونث شدن فرایند مهاجرت (منبع: نگارنده)

3-3- مهاجرت زنان روستایی و علل آن

با توجه به موانع ساختاری، اقتصادی و اجتماعی موجود در روستاها، زنان روستایی که بیش از یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل می دهند، نسبت به مردان روستایی و شهری و زنان شهری در دستیابی به اهداف توسعه هزاره در شرایط بدتری به سر می برند (Inter-Agency Task Force on Rural Women, 2012). برای زنان علل مهاجرت با مردان متفاوت است که این هم ناشی از قید و بندهای اجتماعی است که در راه تحرک و اشتغال ایشان وجود دارد، و هم به دلایل خانوادگی است که برای زنان اهمیت بیشتری دارد. به این معنی که وقتی مردی برای کار و درآمد بهتر راهی شهر می شود و مدت اقامت وی دایم یا حتی موقت است، خانواده نیز از رییس خانواده تبعیت می کند (سرحدی، 1373، ص 153). نوع مهاجرت به شدت بر روند توسعه اجتماعات مبدا و همچنین مقصد و در کنار آن بر خود جمعیت زنان مهاجر تاثیر گذار است. در برخی از فضاها فقدان پتانسیلهای اشتغال تخصصی زمینه مهاجرت را برای زنان تسریع و تشدید می نماید. فرصتهای شغلی در زمینه های مهندسی، مدیریت، تخصص های پزشکی و ... سبب می شود زنان تحصیل کرده روستایی فضاهای روستایی را با رضایت بیشتری ترک گویند. به عبارتی فرار مغزها را بر اتلاف مغز ترجیح دهند.

در هند، مصر، سودان و ولتای علیا بیش از 80 درصد از مهاجرت زنان به خاطر ازدواج و سایر ملاحظات خانوادگی است. با این حال در کشورهای تایلند، نیکاراگوئه، بوتسوانا، مکزیک دلایل اقتصادی به اندازه دلایل خانوادگی اهمیت پیدا می کند. در مطالعات مرتبط با ایران، بیشترین مهاجرت زنان بنا به دلایل اجتماعی و خانوادگی صورت می پذیرد، آموزش و تحصیلات و ازدواج دو عامل برتر برای توسعه مهاجرت های زنان به ویژه در روستاها می باشد. این مطالعات نشان می دهد که افراد جوان و دختران محصل، به مهاجرت چرخشی دست می زنند و برای ادامه تحصیل به شهرهای نزدیک و یا بزرگ رهسپار می شوند (سرحدی، 1373، ص 153) و به نوعی مهاجرت نخبگان در سطح خرد را رقم می زنند.

زنان روستایی گروه‌هایی همگن نمی‌باشند و شرایط و اوضاع زندگی آنها و همچنین ظرفیتهای مهاجرت آنها براساس درآمد، طبقه اجتماعی و آموزش و اهرمهای محلی جنسیتی متغیر می‌باشد. از سویی مهاجرت نیازمند منابعی می‌باشد که در اختیار همه نمی‌باشد. در برخی موارد زنانی که فقر حادی را در اجتماعات فقیر دچار می‌باشند، دارای محدودیتهایی در منابعی نظیر آگاهی، مالکیت، دارایی و جایگاه اجتماعی هستند. حتی خانواده‌هایی که منابع لازم را دارا می‌باشند، کنترل خانواده و محدودیتهای ناشی از آن ممکن است فرصتهای مهاجرت زنان را محدود سازد (Bridge, 2005). از پس محدودیتهای موجود، زنانی که می‌توانند از روستا مهاجرت کنند، اغلب به سه سطح مهاجرتی یعنی روستا به روستا⁹، روستا به شهر¹⁰ و مهاجرت در سطوح ملی یعنی از روستا به خارج از مرزهای ملی¹¹ مبدا حرکت می‌کنند. سایر الگوهای مهاجرتی زمانی محتمل به وقوع است که شبکه‌های ارتباطی و حمایتی توسط مهاجران کارگر و یا سازمانهای مرتبط با مهاجرت در نواحی روستایی وجود دارند (IOM, 2009). در زمان فقدان این ساختارهای حمایتی از مهاجرت، زنان روستایی اغلب به نواحی شهری و برای دستیابی به خدمات آموزشی مهاجرت می‌کنند که خود می‌تواند زمینه مهاجرت‌های بین‌المللی باشد (Bridge, 2005). زنان روستایی ممکن است از مهاجرت به عنوان اهرمی برای گریز از نقشهای سنتی خود، تبعیضات جنسی و یا خشونت جنسی استفاده نمایند. همه این سه فاکتور ترغیب کننده در نواحی روستایی مصداقهای قابل توجهی دارد (UNFPA, 2007). در برخی کشورهای آسیایی، ازدواج تجاری یا به عبارتی تقاضا برای عروسهای مهاجر نیز رو به افزایش است. بسیاری از زنان و دختران روستایی به دلایلی نظیر مشارکت فزاینده در نیروی کار از ازدواج صرف‌نظر یا آن را به تاخیر می‌اندازند که ازدواج با چنین گزینه‌های مهاجر روستا به شهری، از اولویتهای برخی پسران سنتی می‌باشد (UNFPA, 2006). این نوع ازدواج‌های سنتی از طریق برخی موسسات و افراد خاصی صورت می‌گیرد و زنان فقیر روستایی با سطح تحصیلات اندک را جلب می‌نماید. این اقشار برای فرار از کنترل‌های اجتماعی و همچنین فشارهای والدین و همچنین دستیابی به امنیت اقتصادی تن به چنین انتخابهایی می‌دهند. اگرچه اغلب به علت آگاهی اندک از همسران آینده خود خانواده خود را ترک و درگیر استثمار و تنگدستی می‌شوند (IOM, 2009). یکی دیگر از مهمترین علل مهاجرت زنان را اجبار و اضطراب شرایط محیط شکل می‌دهد و بدون شک این نوع مهاجران از زمره آسیب پذیرترین مهاجران می‌باشند. در موارد کشمکشهای مسلحانه، نواحی روستایی اغلب خشونت و فشار بسیاری را تحمل می‌کنند و تنها راه مهاجرت می‌باشد. در این موارد خشونت‌ها علیه و آسیب پذیری فیزیکی زنان افزایش می‌یابد. مواردی نظیر مخاطرات طبیعی نیز ممکن است چنین مهاجرت‌هایی را رقم بزند (UNFPA, 2009). براساس موارد ارائه شده، مهمترین عوامل و اشکال مهاجرت زنان روستایی را می‌توان در موارد زیر عنوان داشت:

- مهاجرت برای تحصیل (فرار نخبگان روستایی)؛
- مهاجرت به عنوان استراتژی برای حفظ و بقای خانواده (Omelandiuk, 2005)؛
- اشتغال و درآمدزایی زنان در امور عمومی، مشاغل نگهداری و نظافت منازل به عنوان امور غیرتخصصی (GFMD, 2010)؛
- مهاجرت ناشی از ازدواج با افراد بیرونی در نواحی روستایی یا ازدواج تجاری (UNFPA, 2006)؛
- مهاجرت اجباری زنان در اثر مخاطرات انسانی نظیر جنگ و طبیعی نظیر سیلاب و زلزله (UNFPA, 2009)؛

9 - rural-to-rural migration

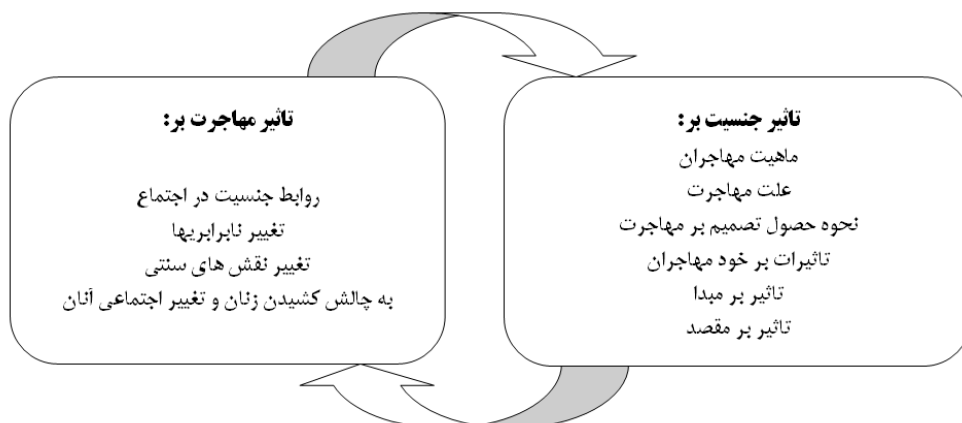
10 - rural-to-urban migration

11 - rural-to-international migration

- مهاجرت در اثر تغییر ارزشها و سبک زندگی (تحت تاثیر الگوهای بیرونی و فناورانه)؛ امروزه دو عامل اقتصادی و آموزشی بیشترین و مهمترین علل توسعه سهم زنان در میزان مهاجران روستا شهری به شمار می آید. در اینجا به تاثیرات مهاجرت‌های نخبگان زن روستایی و بازخوردهای آن بر روستاها در دو سطح فردی و اجتماعی پرداخته می شود.

3-4- بازخورد مهاجرت زنان نخبه بر فضاهای روستایی

مهاجرت زنان روستایی با توجه به ویژگیهای افراد مهاجر بازخوردهای مختلفی را بر فضای مبدا و مقصد به جای می گذارد. این تاثیر می تواند به صورت دو بعد مثبت و منفی مورد توجه قرار گیرد. به واقع ابعاد منفی مهاجرت زنان نخبه بر فضای روستایی آشکارتر از ابعاد مثبت آن می باشد. ابعاد مثبت این مساله را شاید بتوان در انتفاع شخص مهاجر برشمرد. به گونه ای می توان این امر را ناشی از تغییر هویت و یا اندیشه زنان نخبه در فضاهای روستایی دانست. بیشتر زنان روستایی نخبه، زنانی را شامل می شوند که بعد از طی مدارج علمی و دستیابی به سطوح بالاتری از تحصیلات و طبقه اجتماعی، و در اثر تجربه محیط های گسترده تر از محیط و روابط محدود روستایی تمایل شدیدی برای خروج از اجتماع روستا از خود نشان می دهند. ادامه تحصیل دختران و زنان روستایی، تلاش برای یافتن شغلی با منزلت و در سطح تحصیلات کسب شده، عدم رضایت از بازگشت به محیط روستا و عدم توانایی با انطباق با ارزشهای پیشین در اثر تجربه ارزشهای شهری، اطلاع بیشتر از توانایی و حقوق خود در اثر ارتقاء تحصیلات و نظایر آن از مهمترین علل خروج نخبگان به شمار می آید (شکل). اما آنچه مهاجرت نخبگان زن را تشدید و تقویت می نماید خالی شدن فضای روستا از چنین نمونه هایی است که سبب دلسردی تازه واردان نخبه می گردد. خروج زنان نخبه ای که حضور آنها در محیط روستایی می تواند سبب بهبود تربیت فرزندان، ارتقاء سطح آگاهیهای اجتماعی و زیستی، آموزش روستاییان در امور تخصیص و بهره وری بهینه از منابع موجود، بهبود بهداشت، بهبود بنیانهای خانواده، ارتقاء استقلال زنان و توسعه مشارکت آنها در اجتماع شود، بالعکس، سبب القای اندیشه ناامیدی و نهادینه شدن باورهای منفی نظیر موفقیت = مهاجرت برای زنان می گردد.



شکل 2- تاثیر مهاجرت بر خود مهاجران و فضاهای مبدا و مقصد (منبع: Jolly and Reeves, 2005)

براین اساس مهمترین بازخوردهای مهاجرت زنان به ویژه زنان نخبه (با سطح تحصیلات بالا، دارای مناصب بالای اجتماعی و اقتصادی) را می توان شامل موارد زیر دانست:

- کاهش روحیه امیدواری در میان زنان روستایی
- خروج نیروهای تقویت کننده اقتصادی
- خروج الگوهای تربیتی فرزند و آموزش زیستی آنها
- کاهش زمینه مشارکت زنان به لحاظ عدم وجود الگوهای ترغیب کننده.
- اهمال حقوق زنان و گسترش انزوای بیشتر آنان.
- عدم امکان برقراری تساوی جنسیتی در امور مختلف به دلیل کاهش نمایندگان زنان روستایی در مجامع تصمیم گیری.
- کاهش نقش هدایتی، آموزشی، اجتماعی، بهداشتی، مدیریتی زنان به واسطه خروج الگوهای پیشدار برای سایر زنان روستایی با توجه به روحیه الگوپذیری زنان روستایی از مهمترین بازخوردها و عواقب خروج زنان نخبه از نواحی روستایی به شمار می آید.
- البته لازم به ذکر است که مهاجرت زنان در سطح خانواده خود آثار منحصر و ویژه خود نظیر گسستگی ساختار خانواده، تغییر سبک زندگی فرزندان و مرد خانواده، کاهش توان کاری خانوار روستایی و نظایر آن را به همراه خواهد داشت. از سویی آثار مثبت آن را در صورت موفق بودن فرد مهاجر در یافتن موقعیت اجتماعی مطلوب و مورد انتظار خود در فضای بیرونی، می توان محدود و در سطح شخص مهاجر کننده و شامل مواردی نظیر دستیابی به مدارج بالاتر اجتماعی، اقتصادی و رفاهی، رضایت فردی از زندگی شخصی از آثار مثبت در ابعاد فردی دانست که تنها در صورت تلاش زنان مهاجر نخبه از روستاها برای تغییر شرایط زندگی سایر زنان روستایی می توان آن را کمی فراتر از بازخوردهای فردی و در سطح اجتماعی نیز قلمداد نمود.



شکل 3- بازخورد مهاجرت زنان نخبه بر فضاهای روستایی (منبع: نگارنده)

4- نتیجه گیری

در طی دو قرن گذشته تحقیقات مرتبط با مهاجرت نشان می دهد که در دوره های مختلف زمانی مهاجرت زنان با علل و ابعاد مختلفی همراه بوده است. به عنوان نمونه، در مراحل ابتدایی عصر صنعتی شدن، میزان مهاجرت های زنان روستایی به شهرها در بسیاری از کشورها تشدید گردید. اگرچه شکل مهاجرت، ابعاد مهاجرت، علل و انگیزه های مهاجرت در دوره های گذشته شکلی متفاوت نسبت به امروز یافته است، آنچه مسلم است در سالهای اخیر، به شدت سهم زنان از جریانات مهاجرتی افزایش یافته است که از آن به عنوان زنانه شدن مهاجرتها یاد می شود. این تفاوت های زمانی در قالب مکان و فضاهای جغرافیایی نیز قابل طبقه بندی است. در این میان روستاها با عللی متفاوت بخش عمده ای از مهاجران زن را به نواحی شهری گسیل می دارند. در گذشته اشکال مهاجرت زنان روستایی در تبعیت از همسران، به شکل خانوادگی و برای همراهی خانواده بوده است. اما در سالهای اخیر این شکل از مهاجرتها تا حد زیادی تحت الشعاع عوامل فردی - اقتصادی از شکل خانوادگی فاصله گرفته و به اشکال انفرادی و برای اهدافی نظیر دستیابی به شغل مناسب، ادامه تحصیلات و اسکان انفرادی افراد و در برخی موارد مجموع خانواده به سرپرستی زن تغییر یافته است. عوامل بسیاری در این افزایش سهم زنان در جریانات مهاجرتی تاثیرگذار بوده است که مهمترین آنها الحاق اجتماعات روستایی به فرایندها و ارزشهای جهانی شدن، کاهش محدودیتهای و فشارهای اجتماعی به واسطه تغییر سبک زندگی روستایی، توسعه فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی نظیر مخابرات و ماهواره به نواحی روستایی، ارتقاء آگاهی زنان و نرخ باسواد آنان، توسعه نقش مشارکتی زنان در عرصه های اقتصادی و اجتماعی، وجود عرصه های فعالیتی دارای برچسب های جنسیتی مشخص که آنها را مختص زنان می نماید و گاه زمینه را برای حضور زنان حتی با مهارتهای اندک می گشاید، توسعه سهم زنان در ابعاد اقتصادی خانوار و وظایف سرپرستی خانواده و بسیاری دیگر از فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی دیگر. آنچه بیشترین اهمیت را در مبحث مهاجرت زنان روستایی داراست، شاید بتوان در بعد نخبه گزینی جریان مهاجرت های اخیر در فضاهای روستایی جستجو کرد. توسعه سهم زنان تحصیل کرده و در جستجوی کار، به عبارتی افرادی که در مرحله الگو انگاری برای سایر زنان روستایی قرار گرفته اند و می توانند نقش بسیار مهمی در ارتقاء حضور و نقش زنان روستایی در عرصه های بهداشتی، آموزشی، اقتصادی و زیست محیطی به ویژه تربیت فرزندان آگاه و تغییر محیط اجتماعی - فضایی روستا به سوی توسعه ایفا نماید، زمینه را برای توقف توسعه عرصه های روستایی فراهم و چه بسا در صورت بروز شکست، زمینه ساز بروز مشکلات اجتماعی و فضایی بسیاری برای مقاصد این مهاجران امیدوار گردد. آنچه می توان برای کاهش چنین آسیبی هایی هم در مقاصد و هم در مبدا مهاجرتها بدان اذعان نمود نقش برنامه ریزی فضایی برای کاهش کاستی ها و ایجاد شرایط مطلوب برای نگهداشت زنان روستایی به ویژه نخبگان برای ارتقاء انگیزه های زیستی و مانایی جمعیت به ویژه زنان در فضاهای روستایی می باشد.

5- منابع

1. جعفری، نرگس (1390)؛ بررسی روند مهاجرت زنان به نقاط شهری شهرستان مشهد، طی سالهای 1365 - 1385، پنجمین همایش منطقه ای زن ایرانی و پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار.
2. سرحدی، فریده (1373)؛ اشتغال و مهاجرت زنان روستایی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه جمعیت و نیروی انسانی.
3. Bridge, (2005); Gender and Migration. Available from www.bridge.ids.ac.uk/reports/CEP-Mig-OR.pdf.
4. Census of India (2001); Series-1, India, General Population Tables, Part-2, Rural and Urban Distribution', 1991.

5. Chhikara, Kuldip. S and Kodan, Anand S. (2012); Migration of Rural Women in India: Trends, Streams and Motivation, Greener Journal of Social Sciences ISSN: 2276-7800 Vol. 2 (4), pp. 127-133, October 2012.
6. Cole, Helen (2009); Human Trafficking: Implications for the Role of the Advanced Practice Forensic Nurse, J Am Psychiatric Nurses Assoc.
7. Global Forum on Migration and Development (GFMD)(2010); Uncovering the Interfaces between Gender, Family, Migration and Development: The Global Care Economy and Chains, Annex to GFMD 2010 Roundtable 2.2 Background Paper. Available from [www.gfmd.org/en/documents-library/docs-genderfamily- children.html](http://www.gfmd.org/en/documents-library/docs-genderfamily-children.html).
8. Inter-Agency Task Force on Rural Women (2012); Rural Women and the Millennium Development Goals. Available from www.un.org/womenwatch/feature/ruralwomen/factsfigures.html.
9. International organization for migration (IOM) (2009); Gender and Labor Migration in Asia. Available from www.iom.int/jahia/webdav/shared/shared/mainsite/microsites/IDM/workshops/societies_and_identities_061910/iom_gender_and_labour_migration_asia.pdf.
10. International organization for migration (IOM) (2009); rural women and migration, fact sheet, www.iom.int/jahia/webdav/shared/shared/mainsite/microsites/.
11. Jolly Susie and Reeves Hazel (2005); GENDER and MIGRATION, Institute of Development Studies.
12. Lowell, B. Lindsay (2001); Policy Responses to the International Mobility of Skilled Labor, International Labor Organization, International Migration Branch, Geneva.
13. Moreno Fontes Cham martin, Gloria (2001); the feminization of international migration, Global perspective, International Labor Conference, Report on a mission to Albania.
14. National Sample Survey Organization (2000); 'Migration in India, July, 1999 to June, 2000, 55th Round, New Delhi, Government of India.
15. Omelaniuk, I. (2005); Gender, Poverty Reduction and Migration. World Bank, <http://siteresources.worldbank.org/EXTABOUTUS/Resources/Gender.pdf>
16. UNFPA (2007); State of World Population: Unleashing the Potential of Urban growth. Available from: www.unfpa.org/webdav/site/global/shared/documents/publications/2007/695_filename_sowp2007_eng.pdf.
17. UNFPA (2009); State of World Population: Facing a Changing World: Women, Population and Climate. Available from: www.unfpa.org/webdav/site/global/shared/documents/publications/2009/state_of_world_population_2009.pdf.
18. UNFPA, (2006); State of World Population: A Passage to Hope: Women and International Migration. Available from ww.unfpa.org/swp/2006/pdf/en_sowp06.pdf.
19. United Nations Population Division (2005), World Migrant Stock: The 2005 Revision Population Database, <http://esa.un.org/migration/p2k0data.asp>.